



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
Bismillah al rahman al rahim

Bismillah al rahman al rahim

کاربرد هنر در آموزش عربی

دانشگاه فرهنگیان
مرکز مطهری خوی
لیلا خردمندی



تربیت چند فرهنگی یکی از ضروریات تعلیم و تربیت در عصر حاضر شناخته شده است. به عبارت دیگر، اهداف چند فرهنگی بنابه ضرورت عصری در دستور کار بیشتر نظام های آموزشی قرار گرفته است. این ضرورت عصری ناظر به هرچه کم رنگ تر شدن مرزهای جغرافیایی و تبدیل شدن زیستگاه کره زمین به (دهکده ای جهانی) است. به دیگر سخن، شاهد نوعی در هم تنیدگی فیزیکی هستیم که به یمن تحولات عرصه اطلاعات و ارتباطات به وقوع پیوسته و سبب شده است وابستگی سنتی زمان و مکان به یکدیگر منتفی شود. طبیعی است تعلیم و تربیت نمیتواند به چنین تحول شگرفی بی تفاوت باشد. واکنش نظام های تعلیم و تربیت به این پدیده به موضوع تعلیم و تربیت چند فرهنگی اهمیت ویژه ای بخشیده است.

الف) چرا تربیت هنری چند فرهنگی

در جهت دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت چند فرهنگی، هنر نقش بسیار مهمی ایفا میکند. بع باور برخی صاحب نظران، چنین نقشی را به درستی برنامه های درسی هنر ایفا کرده اند و تاکید میشود که از ظرفیت های این حوزه یادگیری باید بیش از پیش بهره جست.

به دیگر سخن، هنر باید نقش مهمی در تقویت فهم فرهنگ های دیگر و به دنبال آن ارزیابی و قضاوت آگاهانه توأم با حس احترام درباره آنها داشته باشد. شاید مهم تر از این کارکردهای چند فرهنگی، در عصر انقلاب اطلاعات و ارتباطات یا عصر جهانی شدن باید هنر را به وسیله (غیر انحصاری) برای تعامل عادلانه تر افراد متعلق به فرهنگ های مختلف شناسایی و معرفی کرد.

سنت های هنری مختلف در چپه دستیابی دانش آموزان به روایت های تصویری بدیل از تجربه بشری هستند. در سنت هنر غربی این روایت نوعا روایتی دارای طبیعت نوگرایانه است و خطی از حیث سبک زیبا شناختی را آشکار میکند که نگرشی به عمل است. حال آنکه سنت هنری بومیان آمریکا و اقدامات هنری آنان معمولا پیوندی مشترک را مستقل می سازد که بیان کننده زیست مسالمت آمیز و برخوردار از تعادل در چرخه حیات است.

-
- استفاده از برنامه درسی هنر برای اهداف ناظر بر فرهنگ، نیازمند خلق فضایی در کلاس های درس است که دانش و گفتگوی میان فرهنگی را تسهیل و آنگونه محیط یادگیری را فراهم کند که از حساسیت، آگاهی و فهم میان فرهنگی حمایت کند. از جمله در چنین کلاس های درسی باید موارد زیر در نظر گرفته شوند:
- قرار دادن آثار و موضوعات هنری هنرمندان متعلق به فرهنگ های مختلف در کلاس درس
 - توجه به سازماندهی و ساختار کلاس از حیث تاثیر آن در تعامل دانش آموز-دانش آموز و همچنین تعامل معلم با دانش آموز
 - حمایت از سبک های یادگیری دانش آموزان در حالی که فرصت یادگیری با اتکا به سبک های شناختی مختلف نیز برای دانش آموزان فراهم شود.

- برای تاثیر گذاری در یادگیری فرهنگی از دو راهبرد آموشی هنر براساس تعریف پذیرفته شده در این مطالعه مروری استفاده شده است. در قالب نخستین راهبرد، یادگیرندگان در محیط یادگیری چند قومیتی، آثار هنری شخصی را با یکدیگر مبادله و درباره آنها بحث میکنند. در دومین راهبرد، یادگیرندگان، آثار هنری غیر غربی را که ویژگی های برجسته فرهنگی دارند عمقی بررسی میکنند. آثار و مصنوعات هوری مورد مطالعه ممکن است اختصاصات فرهنگی دوگانه (دو رگه) نیز داشته باشد.

- محتوای فرهنگی، رسانه های هنریو منابع بصری منتخب در این دو الگو با یکدیگر متفاوتند.

– برخی شواهد تعمیم ناپذیر از این مدعا پشتیبانی میکنند که هویت فرهنگی یادگیرندگان متعلق به گروه های اقلیت در اثر سرو کار یافتن با آثار و فعالیت های هنری خاص گروه های فرهنگی خود توسعه می یابند. اما شواهد کمتری حکایت از آن دارند که محتوای برنامه درسی هنر دارای تنوع فرهنگی، نقش مثبتی در ادراکات یادگیرندگان از هویت فرهنگی دیگران دارد.

– شواهد غیر قطعی در دسترس اند حاکی از آنکه مطالعات حوزه هنر و یادگیری مبتنی بر فرهنگ، منعکس کننده سیاست های ملی در زمینه چند فرهنگی در کشورهایی هستند که مطالعه در آنجا انجام شده است. این یافته فقط متکی بر مطالعاتی است که در دو کشور آمریکا و کانادا انجام شده اند.